

بسم الله الرحمن الرحيم

اندیشه اسلامی ۱

جلسه دوم

۱- حقیقت انسان

تعریف جهان بینی : مجموعه آراء کلی در باره جهان و انسان

بر همین اساس دو نوع جهان بینی وجود دارد : جهان بینی مادی و جهان بینی الهی

در باب حقیقت انسان هم دو دیدگاه وجود دارد : مادی و الهی

دیدگاه مادی:

- چون تمام هستی را با ماده برابر می دانند پس انسان را هم پدیده ای کاملاً مادی تلقی می کنند .

- تمام قوانین حاکم بر حقیقت انسان را مادی می دانند. قوانینی که مبتنی بر حس و تجربه است.

- شناخت : با قوانین مادی که مبتنی بر حس و تجربه است. می توان انسان را شناخت. و تمام تحلیل هایشان در باب انسان مادی گرایانه است.

- انسان با مردن و متلاشی شدن جسمش نابود می گردد.

دیدگاه الهی :

- هستی را برابر با ماده نمی دانند و لذا برای انسان علاوه بر بدن مادی حقیقتی بنام روح قائلند.

محور تمام تعالیم ادیان الهی روح آدمی است و اگر به جسم انسان هم توجه می کنند به دلیل تاثیر آن در روح است.

- این روح چون غیر مادی است نمی توان با قوانین برخاسته از علوم حسی و تجربی و یا با ابزارهای حسی به مطالعه و بررسی گذاشت. ابزار شناخت آن غیر تجربی و غیرحسی است.

- روح با متلاشی شدن جسم از بین نمی رود بلکه حیاتی جاودانه در عالم آخرت در پیش می گیرد.

انسان در قرآن :

آیات ۲۸ و ۲۹ سوره حجر : و اذ قال ربك للملائكة اني خالق بشرا من صلصال من حما مسنون* فاذا **سويته** و نفخت فيه من روحي فقعوا له ساجدين

و (یادکن) هنگامی را که پروردگار تو به فرشتگان فرمود : من بشری را از گلی خشک، از گلی سیاه و بدبو خواهم آفرید. پس وقتی آن را درست کردم و از روح خود در آن دمیدم پیش او به سجده درافتید.

نکته اول :

معنای تسویه : به معنای خلقت اعضای بدن است که به صورت اعتدال و دور از افراط و تفریط (یعنی بدون کم و زیاد) آفریده شود.

مقصود از سوی در این آیات، تکمیل خلقت جسمانی و پردازش آفرینش ظاهری انسان است.

نکته دوم :

اضافه تشریفی :

پس از آفرینش بدن در حد اعتدال خداوند روحی در آن بدن می دمید که بدلیل شرافت و منزلت برتر آن را به خود انتساب می دهد. که به اینگونه اضافه اضافه تشریفی می گویند. مثل مسجد و کعبه کخه آن را خانه خدا می گویند.

۲- روح : حقیقت انسان

از دیدگاه قرآن حقیقت انسان همان روح اوست. و مصادیقی هم در این زمینه وجود دارد.

۱- مساله توفی :

آیه ۴۲ سوره مبارکه زمر : الله يتوفى الانفس حين موتها

معنای توفی : اخذ و گرفتن

بی شک فرشته مرگ هنگام مرگ روح آدمی را می ستاند

آیه ۱۱ سوره مبارکه سجده : بگو فرشته مرگ که بر شما گمارده شده است شماها را می ستاند(یتوفاکم) و آنگاه به سوی پروردگارتان بازگردانده می شوید.

اینکه در این آیه شریفه از عبارت یتوفاکم استفاده شده بدین معنی است که تمام حقیقت انسان روح اوست. و گرنه می فرمود یتوفی بعضکم

۲- مساله شهدا

سوره مبارکه آل عمران-آیه ۱۶۹ : و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احياء عند ربهم یرزقون

قرآن به صراحت می فرماید که شهیدان زنده اند و نزد پروردگار خویش از نعمت های الهی بهره می برند حال آنکه جسم مادی آنان متلاشی شده است.

نتیجه :

۱- انسان دو ساحت دارد: بدن مادی و روح غیرمادی

۲- حقیقت انسان همان روح غیرمادی است که هنگام مرگ فرشته مرگ آن را می ستاند.

دیدگاه فیلسوفان درباره حقیقت انسان :

براهین متعددی بر وجود جنبه غیر مادی در انسان فلاسفه ذکر کرده اند از جمله

مساله من:

وقتی در خودمان یعنی همان من درک کننده دقت کنیم، می یابیم که وجود «من» که حقیقت انسان است، امری بسیط و غیر قابل تقسیم است. اما امر مادی تقسیم پذیر است. پس من یا حقیقت انسان مادی نیست. وقتی کسی دستش را قطع کنند باز هم می گوید دست من قطع شده است نه دست بخشی از من... من تبدیل به نیم من نمی شود....